

تفسیر احمد

سورہء الاعلیٰ



Ketabton.com

۱۳۹۴

ترجمہ و تفسیر سورہ الاعلیٰ
تتبع و نگارش: الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مہتمم و دیزاین: الحاج سلیم عابد « پیمان »

سوره الاعلی

سوره الاعلی

این سوره در « مکه » نازل شده و دارای 19 آیه است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ﴿١﴾ الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى ﴿٢﴾ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى ﴿٣﴾ وَالَّذِي
 أَخْرَجَ الْمَرْعَى ﴿٤﴾ فَجَعَلَهُ غَنَاءً أَحْوَى ﴿٥﴾ سُنُقِرُوكَ فَلَا تَنْسَى ﴿٦﴾ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ
 يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى ﴿٧﴾ وَنُيْسِرُكَ لِلْيُسْرَى ﴿٨﴾ فَذَكَرِ إِنَّ نَفْعَ الذِّكْرِى ﴿٩﴾ سَيَدَّكُرُ مَنْ
 يَخْشَى ﴿١٠﴾ وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى ﴿١١﴾ الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى ﴿١٢﴾ ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا
 وَلَا يَحْيَا ﴿١٣﴾ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ﴿١٤﴾ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى ﴿١٥﴾ بَلْ تُؤَثِّرُونَ الْحَيَاةَ
 الدُّنْيَا ﴿١٦﴾ وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى ﴿١٧﴾ إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى ﴿١٨﴾ صُحُفِ
 إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى ﴿١٩﴾

معلومات موجز :

« سوره الاعلی » از جمله سوره های مکی، دارای (1) رکوع، (19) نوزده آیت، (72) هفتاد و دو کلمه، (299) دوصد و نود و نه حرف و (133) یکصد و سی و سه نقطه است.

از متن این سوره مبارکه و بخصوص از آیه شش آن « سُنُقِرُوكَ فَلَا تَنْسَى »، طوری معلوم می گردد که، این سوره در دوران خیلی ابتدایی مکه، زمانیکه پیامبر صلی الله علیه وسلم به در یافت وحی عادی نگردیده بودند و تشویش داشتند که مبدا برخی از وحی را فراموش کنند، نازل گردیده است.

طوریکه ملاحظه می فرماید: در اولین پنج آیات بحث روی خدای شناسی و مبادی توحید صورت گرفته و در آیات بعدی به پیامبر صلی الله علیه وسلم اطمینان های ذیل از جناب پروردگار با عظمت داده شده است، نکات عمده این اطمینان ها عبارتند از:
 - به پیامبر صلی الله علیه وسلم اطمینان داده شده است که: به لطف و عنایت الهی قرآن را فراموش نخواهد کرد.

- اطمینان داده شده که: ماموریت او را در کار دعوت بسوی الله دشوار نساخته، در این منحصر می سازد که به کسی پند دهد و به هدایت و رهنمائی اش اهتمام ورزد که از دعوت مایه می گیرد و در او استعداد پند پذیری سراغ می شود.

- کسیکه بی باک نیست، نسبت به عواقب خوب و بد عملکردهای خود بی اعتنائی ندارد، بر خود می ترسد، از عواقب افکار و نظرات خود بد خود و جامعه بیم دارد و از انجام ظلم و فساد حاکم بر جامعه هراسان است، مخاطب اصلی این دعوت الهی است، چنین کسی

سوره الاعلی

حتماً این پیام رهایی بخش را باگوش دل خواهد شنید. ولی عناصر شقی و بدبخت از آن خودداری می ورزند.

- کسی که به تزکیه فکری و اخلاقی خود اهتمام ورزد، پروردگارش را بیاد آرد و نماز برپا دارد، به فلاح و رستگاری رسد.

- مردم زندگی دنیا را برمی گزینند، به اهداف زود رس و پیش پا افتاده می چسبند، در حالیکه دنیا، ناچیز است و ناپایدار و آخرت بهتر است و پایدار.

- به پیامبر صلی الله علیه وسلم اطمینان داده شده است که: رسالت تو تداوم رسالت پیامبران و اولعزمی چون حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت موسی علیه السلام است که بزرگترین تمدنها را پایه گذاری کردند و مستکبرین بزرگ تاریخ بدست آنان سر نگون گردیدند، پیام تو و آنان یکیست و پایان کار تان یکی .

مفسرین از جمله شیخ قرطبی (ابو عبدالله محمد بن احمد انصاری قرطبی) در تفسیر خویش می نویسد: معمولاً صحابه کرام از جمله حضرت عبد الله بن عباس، ابن عمر، ابن زبیر، ابو موسی و عبد الله بن مسعود رضی الله عنهم اجمعین، چنین بودند که هر گاه این سوره را تلاوت می کردند، قبل از آن می گفتند: «سبحان ربی الاعلی» یعنی در خارج از نماز وقتی تلاوت کنند چنین گفتن مستحب است.

اسباب نزول :

در مورد اسباب نزول «سوره الاعلی» در حدیثی از حضرت عقبه بن عامر جهنی می خوانیم، زمانیکه سوره ی «سبح اسم ربک الاعلی» نازل شد، آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: «اجعلوها فی سجودکم» یعنی در سجده ی خود بخوانید: «سبحان ربی الاعلی»، «سبح اسم ربک الاعلی» به معنای پاک نگهداشت و پاک کردن است، معنای «سبح اسم ربک» این است که نام رب خود را پاک نگهدارید، هدف این است که تعظیم و تکریم نام رب خود را بجا آورید، و هر زمانیکه نام الله را بر زبان برانید خضوع و خشوع و ادب را مراعات فرماید.

ترجمه مختصر:

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام الله بخشنده مهربان

«سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» (1) «نام پروردگار برترت را به پاکی یاد کن».

«الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى» (2) «(همان) که آفرید پس درست و استوار ساخت».

«وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى» (3) «و (همان) کسی که اندازه گیری کرد پس هدایت نمود».

«وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى» (4) «و کسی که چراگاه را رویانید».

«فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى» (5) «سپس آن را خشک و سیاه گردانید».

«سَنْقُرُوكَ فَلَا تَنْسَى» (6) «ما بزودی (قرآن را) بر تو می خوانیم، پس هرگز

فراموش نخواهی کرد».

سوره الاعلی

- « **إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى** » (7) «مگر آنچه را که خدا بخواهد، به یقین او پنهان و پیدار می‌داند».
- « **وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَى** » (8) «و تو را برای شریعت ساده و آسان آماده می‌سازیم».
- « **فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَى** » (9) «پس یاد دهانی کن چون یاددهانی سود بخشد».
- « **سَيَذَكِّرُ مَنْ يَخْشَى** » (10) «هرکس (از پروردگار با عظمت ما) می‌ترسد پند خواهد پذیرفت».
- « **وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى** » (11) «و بدبخت‌ترین فرد از آن دوری خواهد گزید».
- « **الَّذِي يَصْنَعُ النَّارَ الْكُبْرَى** » (12) «(همان) کسی که در آتش بزرگ (جهنم) در خواهد آمد».
- « **ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى** » (13) « سپس در آن (آتش) نه می‌میرد و نه زنده می‌ماند».
- « **قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى** » (14) « یقیناً کسی که خود را پاک (و تزکیه) کند، رستگار شد».
- « **وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى** » (15) « و (نیز کسی که) نام پروردگارش را یادکرد پس نماز گزارد».
- « **بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا** » (16) «بلکه شما (مردم) از زندگی دنیا را ترجیح می‌دهید».
- « **وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى** » (17) «در حالی که آخرت بهتر و ماندگارتر است».
- « **إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى** » (18) «بی‌گمان این (فحوا) در کتاب‌های پیشین بوده است».
- « **صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى** » (19) « صحیفه‌های ابراهیم و موسی».

محتوا کلی این سوره :

اگر به محتوای کلی این سوره با دقت نظر بیندازیم بوضاحت تام در خواهیم یافت که اساساً این سوره از دو بخش اساسی تشکیل یافته است:

اول : بخشی که در آن روی سخن با شخص به پیامبر صلی الله علیه وسلم است. و دستورهایی در زمینه تسبیح پروردگار و ایفای رسالت به او می دهد .

دوم : در این بخش از مومنان خاشع و فرمانبردار و کافران شقی سخن به میان آمده و عوامل سعادت و شقاوت این دو گروه به طور فشرده بیان شده است.

و در اخیر این سوره تاکید می یابد که همه مطالب و حقایق متذکره تنها در قرآن عظیم الشان نه بلکه در سایر کتب و صحف پیشین، صحف ابراهیم و موسی ، نیز بر آن تاکید شده است .

تفسیر مختصر:

« **سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى** » (1) «نام پروردگار برترت را به پاکی یاد کن» . در این آیه ملاحظه می فرمایم که : پروردگار با عظمت ما به تسبیح خود فرمان می دهد که

سوره الاعلی

متضمن ذکر و عبادت برای او و کرنش در برابر شکوه ، جلال ، عظمت و بزرگی اش می باشد. این تسبیح، تسبیحی باشد که شایسته عظمت پروردگار ما باشد، به این صورت که نام های نیکوی او یاد شوند، نام هایی نیکویی که به سبب معانی نیکو و عظیمی که دارند بر هر نامی برتری دارند. نیز کارهای پروردگار با عظمت ما باید یاد شوند.

« **الَّذِي خَلَقَ فَسْوَى** » (2) «کسی که آفرید و استوار داشت». از جمله کار با عظمت ما اینست که : همه مخلوقات را آفریده و آفرینش آن ها را محکم و زیبا نموده است .

« **وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى** » (3) پروردگار با عظمت ما همه چیز را اندازه گیری کرده و همه مخلوقات را به اندازه راه نموده است. این هدایت عام است که هر مخلوقی را به آنچه صلاح او در آن است هدایت کرده است. نعمت های دنیوی از زمره هدایت مذکور می باشند.

« **وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى** » (4) و کسی که از آسمان آبی فرستاد و به وسیله آن انواع گیاهان و علف های زیادی می روید که مردم و چهارپایان و همه حیوانات از آن می خورند.

« **فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى** » (5) سپس بعد از آنکه مدت زمانی را به پایان برد که پروردگار با عظمت ما مقرر نموده بود در آن مدت زمان تر و تازه باشد، آن را در هم پیچید و « **فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى** » آنگاه آن را سیاه و خشک گردانید.

« **سَنَقِرُوكَ فَلَا تَنْسَى** » (6) (ما قرآن را بر تو خواهیم خواند و تو دیگر آن را فراموش نخواهی کرد). کتابی را که بر تو وحی نموده ایم محافظت می کنیم و آن را در دل تو جای می دهیم و تو از آن چیزی را فراموش نخواهی کرد. در این آیه متبرکه نوید و مزده بزرگی از جانب پروردگار با عظمت ما به پیامبر صلی الله علیه وسلم ، است مبنی بر این که پروردگار با عظمت ما دانشی به او می دهد که آن را فراموش نمی کند.

در حدیثی آمده ست که روزی رسول الله صلی الله علیه وسلم سوره ای را تلاوت فرمود که یک آیه از آن را فراموش نمود ، حضرت ابی بن کعب که کاتب وحی بود ، چنین فهمیده شاید این آیه منسوخ شده است، ولی وقتی که از محمد صلی الله علیه وسلم پرسید ، فرمود : منسوخ نشده است ، من فراموش کردم (قرطبی)

« **إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى** » (7) « مگر آنچه که حکمت الهی اقتضا کند که آن را فراموش کنی ». و پروردگار با عظمت ما اشکارا و پنهان را می داند و آنچه را که مصلحت بندگان می باشد می داند. بنابراین هر آنچه بخوهد به عنوان شریعت مقرر می دارد و به آن فرمان می دهد.

« **وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَى** » (8) «و تو را برای شریعت ساده و آسان آماده می سازیم». این نیز مزده ای دیگر است که پروردگار با عظمت ما همه کارهای پیامبرش را آسان می گرداند و آئین و شریعت او را سهل و ساده می نماید.

« **فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَى** » (9) «پس اگر پند و اندرز سودمند باشد پند و اندرز

سوره الاعلی

بده». در این آیه به پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: به شریعت الهی و آیات او پند بده اگر پند مورد قبول واقع گردد، و موعظه و اندرز بگو اگر کسی گوش کند، خواه از پند دادن تمام هدف آن برآورده شود یا برخی از آن برآورده گردد. مفهوم آیه این را می رساند که اگر پند دادن سودمند نباشد به این صورت که پند دادن به شر و بدی بیفزاید یا از خیر و خوبی بکاهد در این صورت نباید پند داد. و پند دادن مردم را به دو گروه تقسیم می کند؛ کسانی که استفاده می برند و کسانی که استفاده نمی برند. کسانی که از پند استفاده می برند آن هایی هستند که از پروردگار با عظمت ما می ترسند و هرگاه انسان بداند که پروردگار با عظمت ما او را به خاطر کارهایی که کرده است مجازات می کند، و از کیفر او بهراسد، از آنچه پروردگار با عظمت ما را ناخشنود می نماید دوری می کند و برای انجام دادن کارهای خوب تلاش می نماید.

« **سَيَذَكِّرُ مَنْ يَخْشَى** » (10) «هرکس (از پروردگار با عظمت ما) می ترسد پند خواهد پذیرفت».

« **وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى** » (11) «و بدبخت ترین فرد از آن دوری خواهد گزید».

و اما کسانی که از پند بهره نمی برند بدبخت ترین افرادی هستند که وارد بزرگ ترین آتش می شوند و با آن می سوزند.

« **الَّذِي يَصْنَعُ النَّارَ الْكُبْرَى** » (12) «آن کسی که داخل بزرگترین آتش خواهد شد».

« **ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى** » (13) «آن گاه در آن جا نه می میرد و نه زنده می شود». آنان عذاب دردناکی می بینند که هیچ گونه استراحت و آرامشی ندارد. تا جائیکه آن ها آرزوی مرگ می کنند اما مرگ به سراغ شان نمی آید.

همان طور که پروردگار با عظمت ما می فرماید: « **لَا يَقْضَى عَلَيْهِمْ فَيْمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا** » نه می میرند و نه از عذابشان کاسته می گردد.

« **قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى** » (14) «بهراستی کسی که خود را پاکیزه داشت رستگار شد».

هرکس که خودش را پاکیزه کند و خویشتن را از شرک ورزیدن و ستمگری و رفتارهای زشت پاک دارد قطعاً رستگار است.

تزکیه در اصل به معنی نمو و رشد دادن است، هکذا تزکیه به معنی تطهیر و پاک کردن نیز آمده است. قرآن عظیم الشان پس از یازده سوگند می فرماید: «سوگند به همه این ها که هرکس نفس خود را تزکیه کند، رستگار است و هرکس نفس خود را آلوده ساخت، (از لطف خدا) محروم گشت. قرآن عظیم الشان هدف پیامبران را تزکیه و پرورش نفوس ذکر کرده است.

«تزکی» از زکوه مشتق است به معنای پاک کردن می باشد، زکات مال را هم به خاطر زکات می گویند که بقیه مال را برای انسان پاک می گرداند، در اینجا لفظ «تزکی» عام است، که هم شامل تزکیه ایمانی و هم شامل تزکیه اخلاقی می شود، و هم ادای زکات مال را.

برای رسیدن به تزکیه برخی از مفسرین دو مرحله را مورد پیشنهاد قرار داده اند:

سوره الاعلی

1- تهذیب نفس از بدی‌ها یعنی تصفیه قلب از اخلاق بد و اجتناب از گناه. این عمل را تصفیه و تخلیه هم می‌نامند.

2- پرورش و تکمیل نفس به وسیله تحصیل علوم و معارف حقه و فضائل و مکارم اخلاق و انجام عمل صالح. این عمل را تخلیه هم می‌گویند، یعنی پرورش و تکمیل و آرایش دادن. البته قبل از تخلیه و تخلیه باید انسان نقاط ضعف خود را بشناسد.

« وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى » (15) « و نام پروردگارش را یاد کرد و نماز گزارد. » و به ذکر پروردگارش مشغول شود و قلبش با ذکر او انس بگیرد چنین کسی کارهایی می‌کند که پروردگار با عظمت ما را خشنود گرداند به خصوص نماز می‌خوانند که نماز ترازوی ایمان است. هستند عده‌ای از مفسرین که در تفسیر « تَزَكَّى؛ فَصَلَّى » می‌فرمایند: « زکات فطریه بدهد و نماز عید بخواند ». گرچه این مفهوم را نیز شامل می‌شود اما معنی آیه تنها این نیست.

« بَلْ تُؤْتِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا » (16) « بلکه زندگی دنیا را ترجیح می‌دهید. »

و نعمت از بین رونده و ناخوش آن را بر می‌گزینند و آخرت را رها می‌کنید.

« وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى » (17) « و آخرت بهتر و ماندگارتر است. »

در این آیه پروردگار ما می‌فرماید: در حالی که آخرت از هر نظر از دنیا بهتر و ماندگارتر است. چون آخرت سرای جاودانگی و بقاست و دنیا سرای فنا و نابودی است. پس مومن عاقل بهتر را رها نمی‌کند و زشت‌تر را بر نمی‌گزیند و آرامش و راحتی همیشگی را به خاطر لذت و شادمانی آنی از دست نمی‌دهد پس محبت دنیا و ترجیح دادن آن بر آخرت اساس هر اشتباهی است.

« إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى » (18) « بی‌گمان این در کتاب‌های پیشین بوده

است. » تمام مضامین، امر نیکو و اخبار خوبی که در این سوره مبارکه برایتان بیان شد منحصر به این کتاب آسمانی نیست بلکه در کتاب‌های قبلی آسمانی نیز بیان گردیده است از جمله کتاب‌های ابراهیم و موسی که بعد از محمد بزرگ‌ترین و شریف‌ترین پیامبران هستند. پس این‌ها فرامینی است که در هر شریعتی آمده‌اند چون به منافع هر دوجهان بر می‌گردند و این اوامر در هر زمان و مکانی صلاح و منفعت انسانها را تامین می‌کنند.

« صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى » (19) « صحف و کتاب‌های ابراهیم و موسی. »

موضوعات و مضامین صحف ابراهیمی:

آجری از حضرت ابو ذر غفاری روایت کرده است که او از رسول الله صلی الله علیه وسلم سؤال کرد: صحیفه‌های حضرت ابراهیم چگونه و چه بودند؟ آن حضرت در جواب فرمودند: در آنها امثال عبرت بیان شده بود، در مثالی به پادشاه ظالمی خطاب شده است که ای مسلط شونده بر مردم و مغرور و مبتلا، بدین جهت به تو سلطنت ندادم که تو در دنیا مال را روی مال انباشته کنی، دادن اقتدار بدین جهت بود که نگذاری فریاد مظلومی به من برسد، زیرا قانون من این است که فریاد مظلوم را بی‌جواب نمی‌گذارم، اگرچه از زبان کافری برآید.

سوره الاعلی

و در مثال دیگری عموم مردم را مورد خطاب قرار داده است ، که کار عاقل چنین است که اوقات خود را سه قسمت تقسیم کند : یکی وقت عبادت الله و مناجات به در بار او باشد ، دوم برای محاسبه ی اعمال خویش و تدبیر و فکر ، در عظمت قدرت و صنعت الله ، سوم برای تحصیل ضروریات زندگی و انجام نیاز های طبیعی.

و فرمود : برای عاقل ضروری است که از احوال زمان خود آگاه باشد ، و به کار های مقصودی مشغول گردد ، زبان خویش را در کنترل خود در آورد ، و کسی که کلام خود را و عمل خود بشمارد ، کلامش خیلی کم و فقط در کار های ضروری به کار رود.

موضوعات و مضامین صحف حضرت موسی:

حضرت ابوذری می فرماید :

سپس من عرض کردم در صحف موسی علیه السلام چه بود ؟ فرمود : در آنها فقط عبرت بود که از آن جمله موارد ذیل است :

در تعجب نسبت به کسی به مردن ، یقین دارد ، باز هم دل به خوشیها سپرده است ، و تعجب از کسی که به تقدیر ، ایمان دارد ، و باز عاجز و در مانده و غمگین باشد ، و در تعجب از کسی که به حساب آخرت یقین دارد و از عمل دست برداشته بنشیند .

حضرت ابوذری می فرماید ، باز سؤال کردم : آیا از آن صحیفه ها در وحی که بر شما نازل می شود چیزی آمده است ؟ فرمود : ای ابوذری ! این آیات را بخوان : « قَدْ أفلحَ مَنْ تَزَكَّى ، وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى ، بَلْ تُؤثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ، وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَابْقَى ، إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى ، « صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى » (قرطبی)

حکم ایمان داشتن به کتب آسمانی :

قبل از همه باید گفت شخصیکه به سایر کتاب های آسمانی دیگر (تورات و انجیل و زبور و صحف ابراهیم و موسی) ایمان نیاورد، ایمان او مقبول نیست و بعنوان مسلمان محسوب نمی شود.

دلیل واجب بودن ایمان به کتب آسمانی :

دلیل واجب بودن ایمان به سایر کتاب آسمانی حکم و امر پروردگار با عظمت است که می فرماید : «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا» (سوره نساء 136). یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده اید به کتابی که بر پیامبرش نازل کرده و بر کتابی که از قبل نازل نموده است ایمان بیاورید و هرکس به الله، ملائکه، کتابها، پیامبران و روز آخرت کافر شود در گمراهی بسیار دوری افتاده است».

الله تعالی بندگان مؤمنش را در این آیه امر می کند که به الله و پیامبرش، محمد صلی الله علیه وسلم و کتابی که بر او نازل نموده که قرآن می باشد و کتابی که از پیش نازل نموده که شامل تمام کتابهای پیشینیان مانند تورات، انجیل و زبور می باشد، ایمان بیاورند. سپس در آخر آیه بیان می کند که هرکس به چیزی از ارکان ایمان کافر شود در گمراهی

سوره الاعلی

بسیار دوری افتاده و از مسیر درست خارج گشته است. و باز در بیان ایمان به تمام کتابها الله تعالی به بندگان مؤمنش امر می‌کند که اهل کتاب را با این سخن مورد خطاب قرار دهند: «قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (سوره بقره 136). یعنی: «بگویند به خدا و آنچه که بر ما فرو فرستاده شده و آنچه که به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نواسه های یعقوب فرو فرستاده شده و آنچه که به موسی و عیسی داده شده و (نیز) آنچه که به (دیگر) پیامبران از سوی پروردگارش نازل شده است، ایمان آورده ایم. و در ایمان آوردن به پیامبران بین هیچکدام از آنان تفاوتی نمی‌گذاریم. و فرمانبردار او (خداوند) هستیم».

آیه در برگزیده ایمان مؤمنان به آنچه خداوند بر آنها به واسطه رسولش صلی الله علیه وسلم نازل نموده و آنچه بر پیامبران که در آیه ذکر شده و آنچه بر بقیه انبیاء نازل شده است، می‌باشد و آنها در ایمان به پیامبران بین هیچکدام فرقی نمی‌گذارند و به تمام پیامبران و تمام کتابهایی که خداوند به ترتیب نازل نموده است، باور دارند. بنا بر طبق آیات صریح قرآن، هرکس به کتابهای آسمانی قبل از قرآن ایمان نداشته باشد او کافر است، زیرا ایمان نیاوردن به آن کتابهای آسمانی دیگر به معنای تکذیب آیات خداوند بر دیگر پیامبران است در حالیکه همه ی پیامبران الهی به حق از سوی الله تعالی برای ارشاد انسانها فرستاده شده اند و بعضی از آنها دارای کتاب آسمانی بودند.

نکاتی ضروری ودانستی :

اولاً: شخصی مسلمان قبل از همه باید بداند که همه کتابهای آسمانی بجز قرآن کریم مورد تحریف و تغییر قرار گرفته است. زیرا خداوند عزوجل در قرآن کریم از تحریف، تغییر و تبدیل توسط اهل کتاب بر کتابهای الله تعالی که بر آنها نازل شده خبر می‌دهد. الله تعالی در حق یهود می‌فرماید: «أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (بقره 75) یعنی: «آیا امید دارید که به شما ایمان بیاورند در حالیکه دسته از آنها کلام خدا را می‌شنوند سپس بعد از اینکه آن را می‌فهمند و در حالیکه می‌دانستند آن را تحریف می‌نمودند» و می‌فرماید: «مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» (سوره نساء 64) «و کسانی از اهل یهود کلام را از جایگاه خود تحریف می‌کنند».

و الله تعالی از نصاری خبر می‌دهد می‌فرماید: «وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ* يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ» (سوره مائده 14-15).

یعنی: و کسانی که گفتند ما نصاری هستیم پیمان گرفتیم و بخشی از آنچه به آن اندرز داده شده بودند فراموش کردند و ما تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکنیم و به زودی خدا آنان را از آنچه می‌کردند باخبر می‌سازد. ای اهل کتاب پیامبر ما به سوی شما آمده

سوره الاعلی

است که بسیاری از کتاب که پوشیده می داشتید برای شما بیان می کند و از بسیاری درمی گذرد.

آیات دلالت دارند بر اینکه یهود و نصاری کتابهای نازل شده بر خودشان را تحریف نموده اند. و این تحریف گاهی با زیاد کردن و گاهی با کم کردن بوده است. و دلیل بر زیاد کردن بر کتابها آن سخن الله تعالی می باشد: «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيْسَتْ رُؤَا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ» (سوره بقره 79).

«ویل به حال کسانی که کتاب را با دستانشان نوشتند سپس می گویند این از جانب خداست تا با بهایی بی ارزش بفروشند پس ویل به حال آنها از آنچه با دستهایشان نوشتند و ویل به حال کسانی که آن را بدست آوردند».

و دلیل بر نقصان آن این فرموده الله تعالی است: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ» (مائده 15). «ای اهل کتاب پیامبر ما به سوی شما آمده است که بسیاری از کتاب که پوشیده می داشتید برای شما بیان می کند» و می فرماید: «قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا» (سوره انعام 9) «بگو چه کسی آن کتابی را که موسی آورده نازل کرده که برای مردم روشنایی و هدایت است آن را بصورت ورقه هایی در می آورید از آن آشکار و بسیاری را پنهان می کنید».

اما قرآن عظیم از آنچه بر کتابهای گذشته از تحریف و تبدیل روی داده، سالم مانده است و خداوند آن را حفظ نموده و از آن صیانت می نماید همانگونه که خود از آن خبر می دهد: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (سوره حجر 9). «بی گمان ما قرآن را فرو فرستاده ایم و به راستی ما نگهبان آن هستیم».

ثانیاً: باید چگونگی ایمان به کتابهای قبل از قرآن را بدانند، و آن بدینگونه است که:

1- تصدیق قاطع به اینکه تمام آنها از جانب الله عزوجل نازل شده و کلام الله تعالی می باشند و الله تعالی به حقیقت آنگونه که لایق به خود اوست و بر وجهی که اراده کرده، به آن تکلم نموده است. الله تعالی می فرماید: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ* نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ* مِنْ قَبْلُ هُدًى لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ» (آل عمران 2-4). یعنی: «الله است که هیچ معبود بحق جز او نیست همیشه زنده و پابرجا است. این کتاب را در حالیکه مؤید آنچه پیش از خود می باشد به حق بر تو نازل کرد و تورات و انجیل را پیش از آن برای هدایت مردم فرستاد و فرقان را نازل کرد کسانی که به آیات خداوند کفر ورزیدند بی تردید عذابی سخت خواهند داشت و خداوند شکست ناپذیر و صاحب انتقام است». الله عزوجل خبر می دهد که این کتابها: تورات، انجیل و قرآن از نزد او هستند و این دلالت دارد بر اینکه به آنها تکلم نموده و آنها از او آغاز شده اند و مربوط به غیر او نیستند و برای همین در آخر آیه وعده می دهد که هرکس به آیات خداوند کفر ورزد دچار عذاب شدیدی خواهد شد.

سوره الاعلی

2- ایمان به اینکه کتابهای الله تعالی تصدیق کننده همدیگرند و بین آنها تناقض و تعارضی نیست همانگونه که الله تعالی در قرآن می فرماید: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ» (سوره مائده 48). «و (این) کتاب را به راستی تصدیق کننده کتابی که پیش از آن است و بر آن حاکم و شاهد است بر تو نازل کردیم» و در مورد انجیل می فرماید: «وَأَتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ» (سوره مائده 46). «و ما انجیل را که در آن هدایت و نور است و تصدیق کننده تورات است فرو فرستادیم». ایمان به اینها واجب است و اینکه کتابهای خداوند از تمام تناقضات و تعارضات بدور هستند و این از بزرگترین ویژگی کتابهای خداوند نسبت به کتابهای مخلوقات و کلام خدا نسبت به کلام خلق می باشد. زیرا در کتابهای مردم نقص، خلل و تعارض وجود دارد. همانگونه که خداوند در وصف قرآن می فرماید: «وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (سوره نساء 82). «اگر آن از جانب غیر خداوند بود در آن اختلاف بسیاری را می یافتند».

3- اعتقاد راسخ به اینکه تمام کتابها و صحفی که خداوند بر رسولان نازل کرده به وسیله قرآن کریم نسخ شده اند و برای هیچکس از جن یا انس و پیروان کتابهای سابق و نه غیر آنها روا نیست که بعد از آمدن قرآن، خداوند را جز با آن عبادت کنند یا اینکه به غیر آن حکم نمایند. و دلیل بر این مورد در کتاب و سنت فراوان است.

الله تعالی می فرماید: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (سوره فرقان 1). «با برکت است کسی که فرقان را بر بنده اش نازل فرمود تا برای تمام دنیا ترساننده باشد» و میفرماید: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (سوره مائده 15-16). «ای اهل کتاب پیامبر ما به سوی شما آمده است که بسیاری از کتاب که پوشیده می داشتید برای شما بیان می کند و از بسیاری درمیگذرد. قطعاً برای شما از جانب خداوند روشنایی و کتابی روشنگر آمده است. خداوند هر که از خشنودی او پیروی کند به وسیله آن به راههای سلامت رهنمون می شود و به توفیق خویش آنان را از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون می برد و به راهی راست هدایتشان می کند». خداوند به پیامبرش امر می کند که بین اهل کتاب به قرآن حکم نماید: «فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ» (سوره مائده 48). «بین آنها به آنچه خداوند نازل نموده حکم نما و از هوا و آرزوی آنها بعد از آنکه حق آمد تبعیت نکن» و همچنین می فرماید: «وَأَن احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ» (سوره مائده 49). «و میان آنها به آنچه خداوند نازل نموده فیصله و قضاوت کن و از هواهایشان پیروی مکن و از آنان برحذر باش مبادا تو را در بخشی از آنچه خداوند بر تو نازل کرده به فتنه دراندازد».

و از سنت حدیث جابر بن عبد الله است که عمر بن خطابت با کتابی که از اهل کتاب بود پیش پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و آن را بر پیامبر اسلام خواند پیامبر صلی الله علیه

سوره الاعلی

وسلم عصبانی شد و فرمود: «أُمَّتَهُوَكُونُ فِيهَا يَا ابْنَ الْخَطَّابِ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ جِئْتُكُمْ بِهَا بَيْضَاءَ نَفِيَّةً لَا تَسْأَلُوهُمْ عَنْ شَيْءٍ فَيُخْبِرُوكُمْ بِحَقِّ فَتُكَذِّبُوا بِهِ أَوْ بِبَاطِلٍ فَتُصَدِّقُوا بِهِ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ أَنَّ مُوسَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ حَيًّا مَا وَسِعَهُ إِلَّا أَنْ يَتَّبِعَنِي» (مسند الإمام أحمد : 3 / 387 ، وكشف الأستار : 134 ، وشعب الإيمان للبيهقي : (177) . وغيرهم وهو حديث حسن بمجموع طرقه)

یعنی: «ای پسر خطاب آیا در آن در تعجب هستی؟! قسم به کسی که نفس من به دست اوست برای شما آن روشن کننده پاک را آوردم. شما چیزی از آنها نمی پرسید پس به حق به شما خبر می دهند پس به وسیله آن آنها را تکذیب می کنید یا به باطل خبر می دهند شما به وسیله آن آنها را تصدیق می کنید قسم به کسی که نفس من به دست اوست اگر موسی زنده بود چاره ای جز پیروی از من نداشت». این بحث مختصری از کتابهای الله تعالی می باشد که واجب است به آن و آنچه در قرآن بر وجه خصوص آمده معتقد باشیم. سوم: و نکته ی مهمتر از همه آنست که: هر مسلمانی در برخورد با آیات تورات و انجیل و دیگر کتابها ممکن است با سه حالت روبرو شود:

1- آن آیه ای که می شنود یا می بیند مخالف با قرآن است.
(در اینحالت بر او واجب است که آن آیه را تکذیب کند، زیرا آن تحریف شده است و ما مسلمانان مامور به ایمان به آیات تحریف شده نیستیم، زیرا آن آیات تحریف شده از جانب خداوند متعال نازل نشده اند بلکه توسط انسانها تغیر و تبدیل یافته اند و لذا تکذیب آنها واجب است)

2- آن آیه ای که می بیند یا می شنود همسو و در تایید آیات قرآن است.
(در اینحالت باید به آن آیه ایمان بیاورد و نزول آنرا از جانب خداوند تصدیق نماید)
3- نمی داند آن آیه ای که می شنود یا می بیند در تایید قرآن است یا مخالف با آن.
(در اینحالت او نه آنرا تصدیق کند و نه تکذیب نماید).

حکم احترام به کتاب های آسمانی:

ایمان به کتابهای الله تعالی مشتمل بر تعدادی جوانب است که نصوص بر واجب بودن، و معتقد بودن و بیان آن دلالت دارد تا این رکن بزرگ از ارکان ایمان تحقق یابد و آن عبارتند از :

1- تصدیق قاطع به اینکه تمام آنها از جانب الله عزوجل نازل شده و کلام الله تعالی می باشند و الله تعالی به حقیقت آنگونه که لایق به خود اوست و بر وجهی که اراده کرده، به آن تکلم نموده است.

2- ایمان به اینکه تمام آنها به سوی عبادت کردن الله تعالی به تنهایی و آنچه خیر، هدایت، نور و روشنایی آمده است، دعوت می کنند.

3- ایمان به اینکه کتابهای الله تعالی تصدیق کننده همدیگرند و بین آنها تناقض و تعارضی نیست.

4- اعتقاد راسخ به اینکه تمام کتابها و صحفی که خداوند بر رسولان نازل کرده به وسیله قرآن کریم نسخ شده اند و برای هیچکس از جن یا انس و پیروان کتابهای سابق و نه غیر

سوره الاعلی

آنها روا نیست که بعد از آمدن قرآن، خداوند را جز با آن عبادت کنند یا اینکه به غیر آن حکم نمایند. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ أَنَّ مُوسَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ حَيًّا مَا وَسِعَهُ إِلَّا أَنْ يَتَّبِعَنِي» مسند أحمد (3 / 387)، و شعب الإيمان بیهقی (177). یعنی: «قسم به کسی که نفس من به دست اوست اگر موسی زنده بود چاره ای جز پیروی از من نداشت».

پس تنها آنچه در قرآن کریم آمده تعبدی و عمل کردن به آن الزامی است، و اما آنچه در کتب آسمانی گذشته آمده اگر مخالف با شریعت ما باشد خود به خود متروک است نه به دلیل اینکه باطل بوده، ممکن است در زمان خودش حق بوده باشد، لیکن ما مکلف به آن نیستیم، زیرا که با شریعت ما منسوخ شده است، و اگر موافق شریعت ما باشد مسلماً حقی است که شریعت اسلام بر درستی آن دلالت کرده است.

5- اعتقاد به اینکه کتابهای پیشین مورد تحریف قرار گرفته اند، چراکه خداوند عزوجل در قرآن کریم از تحریف، تغییر و تبدیل توسط اهل کتاب بر کتابهای الله تعالی که بر آنها نازل شده خبر می دهد. الله تعالی در حق یهود می فرماید: «أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (سوره بقره 75). یعنی: «آیا امید دارید که به شما ایمان بیاورند در حالیکه دسته از آنها کلام خدا را می شنوند سپس بعد از اینکه آن را می فهمند و در حالیکه می دانستند آن را تحریف می نمودند».

و می فرماید: «مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» (سوره نساء 64). یعنی: «و کسانی از اهل یهود کلام را از جایگاه خود تحریف می کنند».

و الله تعالی از نصاری خبر می دهد می فرماید: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ» (سوره مائده 15).

یعنی: «ای اهل کتاب؛ پیامبر ما به سوی شما آمده است که بسیاری از کتاب که پوشیده می داشتید برای شما بیان می کند و از بسیاری درمی گذرد».

و فرمود: «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيْسَتُوا بِهِ ثَمًّا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ» (سوره بقره 79).

یعنی: «ویل به حال کسانی که کتاب را با دستانشان نوشتند سپس می گویند این از جانب خداست تا با بهایی بی ارزش بفروشد پس ویل به حال آنها از آنچه با دستهایشان نوشتند و ویل به حال کسانی که آن را بدست آوردند».

آیات دلالت دارند بر اینکه یهود و نصاری کتابهای نازل شده بر خودشان را تحریف نموده اند. و این تحریف گاهی با زیاد کردن و گاهی با کم کردن بوده است.

اما قرآن عظیم الشان از آنچه بر کتابهای گذشته از تحریف و تبدیل روی داده، سالم مانده است و خداوند آن را حفظ نموده و از آن صیانت می نماید همانگونه که خود از آن خبر می دهد: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (سوره حجر 9). یعنی: «بی گمان ما قرآن را فرو فرستاده ایم و به راستی ما نگهبان آن هستیم».

سوره الاعلی

ابو عمرو دارائی از ابی حسن منتاب روایت می کند که گفت : «روزی نزد قاضی ابو اسحاق اسماعیل بن اسحاق بودم. به او گفته شد: چرا اجازه تبدیل در حق اهل تورات داده شده اما به اهل قرآن داده نشده است؟ قاضی گفت: خداوند در مورد اهل تورات می فرماید: «بِمَا اسْتَحْفَظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ» (سوره مائده 44). «به آنچه از کتاب خدا حافظ گردانده شده اند» پس حفظ آن به آنها سپرده شد پس اجازه تبدیل در آن داده شده است. و در قرآن می فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (سوره حجر 9). «بی گمان ما قرآن را فرو فرستاده ایم و به راستی ما نگهبان آن هستیم» پس اجازه تبدیل در آن داده نشده است. گفت: پس به سوی ابو عبدالله محاملی رفتم و داستان را برایش تعریف نمودم. گفت: کلامی زیباتر از این نشنیدم.»

قرآن متضمن خلاصه ای از کتابهای سابق و اصول شریعت پیامبران است. الله تعالی می فرماید: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ» (سوره مائده 48). یعنی : «و (این) کتاب را به راستی (و) تصدیق کننده کتابی که پیش از آن است و بر آن حاکم و شاهد است به تو نازل کردیم»

سوال : ممکن است کسی بگوید : بر طبق نصوص قرآن و احادیث بر هر مسلمانی واجب است تمامی کتابهای آسمانی را تصدیق کرده و ایمان آورد، ولی نصوص دیگری دلالت بر تحریف این کتب می کنند، با این وضعیت یک مسلمان چگونه به این کتابهای تحریف شده ایمان آورد؟

جواب : یقین و باور داریم که آنچه در کتب گذشته خداوند متعال به پیامبرانش علیه السلام نازل فرموده ، که سالم از تبدیل و تحریف بودند ، حق است و هیچ شک و شبهه ای در آن نیست. ولی معنایش این نیست که تمام آنچه اکنون در این کتابها درج است و در اختیار اهل کتاب قرار دارد بپذیریم، زیرا این کتابها تحریف شده و به آن حالت اصلی که خداوند متعال به پیامبرانش علیه السلام نازل فرموده باقی نمانده است.

توراتی که ایمان آوردن به آن واجب است همان کتابی است که خداوند بر موسی علیه السلام نازل فرموده و نه تورات تحریف شده ای که امروز در اختیار اهل کتاب قرار دارد. و انجیلی که ایمان آوردن به آن واجب است همان کتابی است که خداوند آنرا بر عیسی علیه السلام نازل فرموده و نه انجیل های تحریف شده ای که امروزه در نزد اهل کتاب قرار دارد. و زبور که ایمان بدان واجب است همان کتابی است که خداوند متعال بر داود علیه السلام نازل فرموده و نه تحریفاتی که توسط یهود در آن بعمل آمده است. با این وجود این تحریف و تبدیل لزوماً شامل کل و تمام کتابشان نیست، و چه بسا مسائلی در کتابهایشان باشد که حق باشند، چنانکه این کتب مشتمل بر بعضی از اسماء الهی اند، لذا نمی توان گفت که کل تورات یا کل انجیل و یا کل زبور تحریف شده و نوشته دست انسان است.

برخورد اعتقادی در برابر کتب تحریف شده :

1- آنچه را که یقیناً بدانیم خداوند متعال نازل فرموده و تحریف و تبدیل بر آن وارد نشده، آنرا تصدیق می کنیم، مثلاً آنچه را قرآن یا سنت صحیح نبوی تصدیق کرده باشد، ما هم

سوره الاعلی

یقینی آنرا تصدیق خواهیم کرد، زیرا الله و رسول آنرا ذکر کرده اند. بطور مثال : الله متعال می فرماید: «أَمْ لَمْ يُنَبِّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى ، وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَى ، أَلَا تَرَى وَازِرَةً وَّزَّرَ أُخْرَى ، وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى ، وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى ، ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى» (سوره نجم 36-41). یعنی : «آیا از آنچه در کتب موسی نازل گردیده با خبر نشده است؟! و در کتب ابراهیم، همان کسی که وظیفه خود را بطور کامل ادا کرد، که : هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌گیرد، و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست، و اینکه تلاش او بزودی دیده می‌شود، سپس به او جزای کافی داده خواهد شد».

و می فرماید : «بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ، وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى ، إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى ، صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى» (سوره اعلی 16-19). یعنی : «ولی شما زندگی دنیا را مقدم می‌دارید، در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است! این دستورها در کتب آسمانی پیشین (نیز) آمده است، در کتب ابراهیم و موسی».

و یا می فرماید : «كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حَلَالًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَةُ فُلْ فَأَتُوا بِالتَّوْرَةِ فَأَتَلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (سوره آل عمران 93). یعنی : «همه غذاها(ی پاک) بر بنی اسرائیل حلال بود، جز آنچه اسرائیل (یعقوب)، پیش از نزول تورات، بر خود تحریم کرده بود؛ بگو: «اگر راست می‌گویید تورات را بیاورید و بخوانید».

پس بعنوان مثال : ما ایمان داریم که در تورات همه نوع انواع طعام حلال بود، و آنچه بر بنی اسرائیل حرام شد به سبب گناهایی بود که مرتکب شدند. و الله متعال ذکر کردند که حکم رجم در تورات است، می فرماید : «وَكَيْفَ يُحَكِّمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ» (سوره مائده 43). یعنی : «چگونه تو را به داوری می‌خوانند، در حالی که تورات دارند و حکم خدا در آن (بخصوص درباره زنا به روشنی) آمده است؟».

2- آنچه را بدانیم تحریف شده هستند تکذیب می‌کنیم، مثلا مواردی را که قرآن یا سنت تکذیب کرده باشند، ما هم بطور یقینی آنها را مردود دانسته و تکذیب می‌کنیم.

3- آن مواردی را که قرآن یا سنت نه تصدیق کرده باشد و نه تکذیب، ما نیز سکوت می‌کنیم؛ یعنی نه تصدیق می‌کنیم و نه تکذیب، چرا که احتمال صدق و کذب آن می‌رود، مگر آنکه دلایل واقع دلالت بر تصدیق یا تکذیب آن کنند، که ما نیز در تصدیق و تکذیب تابع آن دلایل خواهیم بود، مثلا مخالف با آیات قرآن باشند، که اگر از آیات احکام باشد می‌تواند دلیل بر نسخ آن توسط آیات قرآن باشد یا شاید محرف باشد، و اگر مربوط به احکام نباشد قطعا دلالت بر تحریف شدن آن است، زیرا کتابهای الله تعالی تصدیق کننده همدیگرند و بین آنها تناقض و تعارضی نیست همانگونه که الله تعالی در قرآن می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ» (مائده 48) یعنی : «و (این) کتاب را به راستی تصدیق کننده کتابی که پیش از آن است و بر آن حاکم و شاهد است بر تو نازل کردیم».

سوره الاعلی

و در مورد انجیل می فرماید: «وَأَتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ» (سوره مائده 46). یعنی: «و ما انجیل را که در آن هدایت و نور است و تصدیق کننده تورات است فرو فرستادیم».

و ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده: «كَانَ أَهْلُ الْكِتَابِ يَقْرَءُونَ التَّوْرَةَ بِالْعِبْرَانِيَّةِ، وَيُفَسِّرُونَهَا بِالْعَرَبِيَّةِ لِأَهْلِ الْإِسْلَامِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تُصَدِّقُوا أَهْلَ الْكِتَابِ، وَلَا تُكْذِبُوهُمْ وَقُولُوا: (أَمْنَا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا)» الآية. (بخاری: 4485)

یعنی: اهل کتاب، تورات را به زبان عبری (عبرانی) می خواندند و آنرا به زبان عربی برای مسلمانان، تفسیر می کردند. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «اهل کتاب را نه تصدیق کنید و نه تکذیب. بلکه به آنها بگویید: «(أَمْنَا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا)» یعنی ما به خداوند و آنچه که بسوی ما نازل کرده است، ایمان داریم».

با این توضیحات بر ما مشخص می شود که اهانت به تورات و انجیل جایز نیست، زیرا ممکن است مشتمل بر مواردی از کلام الهی باشند، چنانکه مشتمل بر بعضی از اسماء و صفات الله متعال هستند.

هیتمی در کتاب «تحفة المحتاج» (1 / 178) می گوید: «حق آنست که: در انجیل و تورات مواردی هستند که گمان عدم تبدیل آنها میرود، زیرا با آنچه در شرع خود آموخته ایم موافقت دارد».

و خطیب شربینی نیز گفته: «استنجاء با هر چیز نامحترمی جایز است .. و قاضی (استنجاء) بوسیله ورقی از تورات و انجیل را هم جایز دانسته است، ولی این سخن او بر آن اوراقی حمل می شود که عدم تبدیل (و تحریف) آن مشخص باشد و اسم الله تعالی و مشابه آن در آن نباشد». «مغنی المحتاج» (162/1-163).

و خرسی مالکی در کتاب «مختصر خلیل» (63/8) گفته: «اسماء الله و انبیاء به دلیل حرمت (نامشان) همچون مصحف قابل احترامند».

و حطاب مالکی در کتاب «مواهب الجلیل» (287/1) گفته: «احترام گذاشتن به اسماء الهی واجب است هرچند که در چیزهایی نوشته شده باشند که اهانت به آن واجب باشد مانند تورات و انجیل تحریف شده، که سوزاندن و نابودکردنشان جایز است، ولی اهانت به آنها به دلیل وجود آن اسماء جایز نیست».

و در کتاب دائرة المعارف فقهی آمده: «جمهور فقهاء لمس تورات و انجیل بدون طهارت را جایز دانسته اند.. بجز اینکه امام ابو حنیفه (رح) گفتند: مکروه است زن حائض یا انسان جنب تورات و انجیل و زبور را قرائت کند، زیرا تمام آنها کلام الله تعالی هستند مگر آنچه (در آنها) تحریف شده، و آنچه تحریف شده اند نا معین هستند..». «الموسوعة الفقهية» (282/37). مراجعه نماید: تبیین الحقائق (1 / 57) و «رد المحتار علی الدر المختار» (1 / 195)، و (الفتاوی الهندیة (1 / 39).

و باز در همین کتاب آمده: «فقهاء اتفاق نظر دارند که استنجاء بوسیله اشیاء محترم مانند کتابهایی که ذکر الله متعال در آنها هست مانند حدیث و فقه به دلیل حرمت حروف جایز نیست».

سوره الاعلی

اما درباره کتابهای که احترامی ندارند اختلاف نظر دارند؛ کتابهایی مانند کتب سحر و فلسفه و تورات و انجیلی که تحریف آن مشخص باشد :

مالکی ها گفتند : استنجا با این کتب به دلیل حرمت حروف (یعنی شرفشان) جایز نیست. ابراهیم اللقانی گفته : اگر این حروف با عربی نوشته باشند حرمت دارند، وگرنه حرمتی نخواهند داشت مگر آنکه آنچه نوشته شده باشد از اسماء الله تعالی باشد، ولی علی اجهوری گفته : چه با عربی مکتوب باشند یا غیر عربی، در هر دو حالت حرمت دارند.

و شافعیه گفتند : استنجا بوسیله اشیاء نامحترم از قبیل کتب فلسفه، و همچنین تورات و انجیلی که تحریف آن دانسته شود و از اسم معظم (الله) خالی باشد، جایز است.

و ابن عابدین از فقهای حنفیه گفته : نزد ما اینگونه نقل شده که حروف (قرآن) حرمت دارند حتی اگر مقطعه باشند، و بعضی از قاریان ذکر کردند که حروف هجاء قرآن بر هود علیه السلام نازل شده اند، و مفاد (این سخن) آنست که آنچه (از این حروف بر چیزی) مکتوب باشد مطلقاً حرمت دارد». (الموسوعة الفقهية (181/34).

(تفصیل موضوع را درحاشیه ابن عابدین (227 / 1)، و حاشیه الدسوقی (113 / 1)، و مواهب الجلیل (287 / 1)، و نهاية المحتاج (132 / 1)، و کشاف القناع (1 / 69)، و المغنی (158 / 1). مطالعه فرماید.

و از شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله درباره مردی سوال شد که یهود را لعن می کند و دینش را نیز لعن می کند و تورات را دشنام دهد، آیا برای یک مسلمان جایز است که کتاب آنها را دشنام دهد؟

جواب فرمودند : «برای کسی روا نیست تورات را لعن کند؛ بلکه هرکس تورات را علی الاطلاق لعن کند از او طلب توبه می شود، اگر توبه نکرد کشته می شود. و اگر بر چیزی (از آن کتاب لعن کند) که مشخص شود از جانب الله متعال نازل شده و ایمان به آن واجب است؛ در اینحالت بخاطر دشنام دادنش کشته می شود و حتی بر طبق صحیح ترین قول علماء توبه او پذیرفته نخواهد شد.

و اما اگر دین یهود را لعن کند، یعنی آن دینی که آنها در این زمان بر آن هستند؛ ایرادی بر آن نیست، زیرا یهود و دینشان ملعون هستند، و همچنین اگر توراتی که نزد آنهاست را دشنام دهد، بگونه ایکه مشخص کند که قصد وی ذکر تحریف آن است، مثلاً بگوید : این تورات تحریف شده نسخ شده است و عمل به محتوای آن جایز نیست، و هرکس امروزه به شریعت تحریف شده و منسوخ آنها عمل کند کافر است؛ این سخن و امثال اینها حق است و چیزی بر گوینده اش نخواهد بود. (مجموع الفتاوی (200/35).

خلاصه اینکه:

اهانت و دشنام و بی حرمتی به انجیل و توراتی که امروزه در دست اهل کتاب است، جایز نمی باشد، زیرا این کتابها شامل حق و باطل اند، و نیز مشتمل بر اسماء و صفات الهی، و لذا برای حفظ حرمت این موارد جایز نیست که مثلاً انجیل یا تورات را بر زمین بزنند.

سوره الاعلی

با این وجود شایسته مسلمان نیست که بخواهد یکی از این کتابهای تحریف شده را تهیه کرده و بخواند، مگر برای کسانی از اهل علم که قصد استخراج اکاذیب ورد بر آنرا داشته باشند.

پس هرگاه یکی از این کتابها به دست ما افتاد، محافظت و نگهداری از آن جایز نیست، همانطور که اهانت کردن به آن مثلا با انداختن در سطل کثافات جایز نیست، ولی باید از طریق سوزاندنش از آن خلاص شد، زیرا مشتمل بر اسماء الهی است، و ممکن است دربردارنده مطالبی باشند که از تحریف در امان مانده باشند. و اینکه می گوئیم سوزانده شود، این بی ادبی و اهانت به آن نیست؛ زیرا ثابت شده که صحابه برای آنکه از اهانت به اوراق مصحف ممانعت کرده باشند، آنرا سوزاندند تا اثری از آن نماند که قابل اهانت باشد.

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم.

سوره الاعلی

فهرست مطالب:

- معلومات مؤجز
- اسباب نزول
- ترجمه مختصر
- محتوا کلی این سوره
- تفسیر مختصر
- موضعات و مضامین صحف ابراهیمی
- موضعات و مضامین صحف حضرت موسی
- حکم ایمان داشتن به کتب آسمانی
- دلیل واجب بودن ایمان به کتب آسمانی
- نکاتی ضروری ودانستنی
- حکم احترام به کتاب های آسمانی
- برخورد اعتقادی در برابر کتب تحریف شده

منابع و مأخذ های عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تالیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی
- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی
- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال 774 هـ)
- امام سیوطی کتاب « اسباب النزول »
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفانی
- جلوه های از اسرار قرآن مهندس حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن مولف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن/ سید قطب (متوفی سال 1387 هـ)
- تفسیر نور تألیف دکتر مصطفی خرم دل
- تفسیر کابلی (تالیف: شیخ محمود الحسن دیوبندی مترجم: هیاتی از علمای افغانستان)
- صحیح مسلم
- صحیح البخاری

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**